

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

سید ولید صاعد

۱۱/۰۱/۱۴



و مفاهیم امروزی آن

این را همه می دانند که هایکو کوتاه ترین شکل شعری بوده و در آن وزن و قافیه وجود ندارد . هایکو عاری از هرگونه آرایه و آرایش کلامی بوده و شاعران جاپان آنرا به ادبیات جهانی معرفی نموده اند . نخستین هایکو ها (تانکا) دو هزار سال قبل با ۳۱ هجاء سروده شده و بعد ها هایکو ها با ۱۷ هجاء ، با فلسفه ذن آمیخته شد گستردگی و عمق بیشتر یافت .

البته در ادبیات جهانی اگر نظر اندازیم ، به دیگر فرم های کوتاه شعری نیز برمیخوریم به خصوص در زبان فارسی دری ، فرم های کوتاه شعری مانند دو بیتی یا رباعی یا تک بیتی و یا لندی در زبان پشتو وجود دارد ولی هایکو شاید از کوتاه ترین شکل شعر باشد .

اما آنچه بیشتر از همه قابل توجه است همانا جهانی بودن و همه گیری این شکل شعر است که ادبیات جهانی را فراگرفته و در خارج از کشور جاپان توجه شاعران و قشر کتاب خوان ، از پیر و جوان را به خود جلب نموده است . دلیل این همگانی شدن و جهانی بودن هایکو چیست ؟ دلایل زیادی میتوان برای این سوال ارائه نمود از آن جمله سهولت و آسانی ترجمه هایکوست چه هایکو به زبان ساده بیان شده و به آسانی قابل ترجمه می باشد و هم طبیعت و زندگی و نگرش آن در هایکو چنان که هست یکی دیگر از دلایلیست که توجه همگان را به سوی خود جلب نموده است .

یکی از بانیان مهم هایکو در جاپان ماتسونو باشو بود که به هایکو که قبل از آن یک نوع بازی با کلمات و پر از رمز و کنایه بود ، ارزش و اهمیت امروزش را داد . دیگر هایکو سرایان معروف جاپان بعد از باشو ، بوسون ، ایسا و شیکی بودند که «در بررسی هایکو این چهار هایکو سرا نمایانگر چهار طرز نگاه متفاوت به جهانند : دیدن

با روح ، با چشم ، با دل و با سر . باشو روحانی ست ، بوسون هنرمند است ، ایسا انسان گراست و شیکی واقع گرا».

برکه کهن

جهیدن قورباغه ئی

صدای آب

(باشو)

دومین هایکو سرای بزرگ قسمی که در بالا ذکر رفت ، بوسون بود که با وجود تفاوتی با باشو ، تحت تاثیر استادش قرار داشت و هم از نقاشان چینی الهام گرفته بود:

گل‌های سفید

از شکاف دیوار

بهار می آید

(بوسون)

در هایکو های سنتی بیشتر از فصل و سال و طبیعت و غیره سخن رفته ، ولی در هایکو های مدرن و به ویژه هایکو سرایان امروز بیشتر هایکو هائی با مفاهیم سیاسی و اجتماعی و عشقی می سرایند:

آقای داکتر

نیم قلبم اینجاست

نیم دیگرش در اوین است

هر روز تیر بارانش میکنند

(احمد شاملو)

هایکو سرایان مدرن ملزم به مراعات قواعد هایکو های سنتی نیستند ولی آنچه بیشتر در هایکو قابل توجه است همانا سادگی و کوتاه بودن آن می باشد و از سوی دیگر در هایکو ها مانند داستان و یا اشعار بلند ، آغاز و پایانی وجود ندارد یا بهتر بگویم در هایکو های مدرن شاعر پیام خاصی ندارد و در پی نتیجه گیری نمی رود .

گرد یک دریاچه

سپیده دم را انتظار میکشند

هم شکار چی و هم مرغابی

(تسودا کیوکو)

باشو به این باور بود که نمی توان ادعای نوشتن هایکو را نمود، به این معنی که نمی توان قلم و کاغذ گرفت و پشت میز نشست و هایکو سرود . در وقت سرودن و یا نوشتن هایکو باید با سادگی به سان کودکی دید و اندیشید. "امی لاول" یکی از چهره های برجسته ایماژیسم در شعر امریکا اشعاری نوشت کوتاه و به سبک جدید که این اشعار همه در حقیقت هایکو هائی هستند ژرف و عمیق ، که شاید "امی لاول" قصد نوشتن هایکو را نداشت :

دیشب باران بارید

حالا در سپیده دم

زاغچه ها غمگین می خوانند

(امی لاول)

هایکو ، امروز جزء ادبیات جهانی شده و همه زبان ها را به خود مشغول نموده است . به همان اندازه که هایکوی سنتی جاپان با فلسفه "ذن" و با مفاهیم و رمز و رموز طبیعت و زندگی آکنده بود ، هایکو سرایان امروز به ویژه در افغانستان به سرودن هایکو های بیشتر با مفاهیم سیاسی و اجتماعی و یا عشقی و روانی همت گماشته اند . سراینده‌گانی که در معرفی این شکل شعری در افغانستان گامهای بلندی برداشته اند میتوان از محمود جعفری ، یاسین نگاه ، وحید بکتاش ، پائیز ، آذریون ، حسینی برنا کریمی و غیره نام برد .

کودک از درخت آمد پائین

خاطره پیر مرد

رفت بالا

(امان پویامک)

هایکو هایم

کوچک اند

دستش را بگیر

(عبدالهادی ایوبی)

گفتن هایکو با وجود ایجاز و کوتاهی آن و با وجودیکه وزن و قافیه ندارد ، کاریست دشوار چه گنجاندن معانی بزرگ در کلمات کم و در یک دایره محدود کاریست دشوار و یا به گفته رولان بارت « هایکو دارای خاصیت شبح وار است و آن اینکه هر کس همواره تصور میکند به سادگی اشعاری همانند آن بسراید ولی ممکن است هرگز نتواند » .

در پایان چند شعر کوتاه را بدون اینکه ادعای هایکو نویسی را داشته باشم ، تقدیم خوانندگان عزیز می نمایم .

ر هگزر پولی به دست گدائی انداخت

پول افتاد به زمین

جنگ یک ساعته افتاد به راه

*

نامه را چو گشودم

دستم لرزید ، قلبم تپید

عکسی از کابل بود

*

یک طفل می گریست

ز دیوار آنسو

بوی نان می آمد

*

یکی پول هنگفت اندوخت

یکی شهرت کدائی کسب کرد

خواب آرام را ز دست دادند

*

هر وقت به آن منظره می نگرم

دلم پاره می شود

ای کابل عزیز یادت بخیر

*

برو کابل

بگو ما زنده ایم

روزگار مرده

*

شب نوشتم چند سطر

صبح که خواندم

قصه کابل بود

*

هر چه سنگ است

به آبش فگنید

تا دیگر نشکند کسی دل کس

*

اندرین غربت سرا

روز را شب میکنم

لیک نفس در شهر کابل میکشم

*

صبح که بیدار شدم

همه مستی دوشینه من خوابی بود

دور ز کابل بودم

*

در انتظار گاه عمر

ما و مرگ هردو

نا فهمیده انتظار می کشیم

*

چون تنور گرم نمودند

طفل از بوی خمیر

شاداب شد

*

وقت لرزیدن پا

ملتفت شد

به شکرانه آن

*

آب قطره قطره

می افتد به زمین

واه چه زود می گذرد عمر ما

*

قاب چو شکست

به پرواز آمد

عکس

سید ولید صاعد

پاریس ۱۰ جنوری ۲۰۱۱

(پایان)